

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

غلام محمد نادر

هر وجب از خاک ما شد کربلا

باری به شعری از یکی از استادان گرانمایه کشورم برخورددم . آن شعر میخواست از قتلگاه های ساخته شده به دست خلقی – پرچمی ها و اربابان شان در وطن به خون کشیده من و خونین کفناش یادی کرده باشد ، ولی هر مسأله وطن ما که خیلی هم خونبار بود به یک حادثه عاشورا تشبیه میشد ، تا جایکه آن حادثه – که هرگز از نظر پهنا و ژرفای جنایت و خونریزی به حوادث کشور ما قابل مقایسه نبود – بزرگتر نمودار میشد و عاشورا های ایجاد شده در هر گوشه و کنار افغانستان تحت الشعاع آن قرار میگرفت. من این مورد را صمیمانه با آن دُر گرانمایه و آن شاعر بلند پایه در میان گذاشتم و گفتم به نظر من در شعر شان جای مشبه و مشبه به تعویض شده چه در کشور ما هزاران عاشورا به پاست

آن بزرگوار انتقاد مرا پذیرفته و به من وظیفه دادند تا به سرودن قطعه ای آن را جبران کنم. من هم چنین کردم که اینک چند فردی از آن در ذهنم مانده و به شما فرستادم.

کشورم منزلگهی بیگانه شد	ای وطن داران وطن ویرانه شد
خانه و کاشانه ام ویرانه کرد	روس بد اختر به میهن لانه کرد
آتش کین هر طرف افروختند	هستی ما را به آتش سوختند
از هزاران بیش عاشورا به پا	هر وجب از خاک ما شد کربلا
از هریوا تا به جیحون می تپند	نو جوانان غرق در خون می تپند